

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۸۸، ص ۱۵۷-۱۷۴

جنگ‌های ایران و روس زمینه‌ساز تغییر رویکرد نظام آموزشی ایران^۱

دکتر داوود یحیایی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

dyahyaei@iaubushehr.ac.ir

فاخته ماهینی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

fakhteh_mahini@yahoo.com

چکیده

ایران عصر قاجاری در ابتدای قرن ۱۹م/۱۳ق در حالی مورد تجاوز روس‌ها واقع شد که بی‌خبر و عقب‌مانده از تحولات دنیا، با مشکلات عدیده‌ای در داخل کشور مواجه بود. علی‌رغم نتایج تلخ، این واقعه دستاورد مهمی را نصیب فتحعلی شاه و اطرافیان وی کرد که از همه مهم‌تر، آگاهی از ضعف تجهیزات نظامی و دانش روز بود. این موضوع، انگیزه اقدامات اصلاح-طلبانه‌ای گردید که به دنبال درک کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت، دولت‌مردان را در انجام آن‌ها مصمم ساخت. این مقاله بر آن است تا با بررسی مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این راستا، تأثیرات آن‌ها را در فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت تحول و تغییر رویکرد نظام آموزشی ایران تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: ایران عصر قاجار، جنگ‌های ایران و روسیه، مکتبخانه، عباس میرزا،

آموزش و پرورش جدید.

مقدمه

جامعه ایران عصر قاجار، جامعه‌ای عقب افتاده بود؛ از بعد فرهنگی، اکثر مردم بی‌سواد بودند و هیچ گونه وسیله و امکان رشد و پرورش فکری در جامعه مهیا نبود.^۱ عواملی چون هرج و مرج

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۵/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۳۰.

سیاسی، جنگ‌های داخلی و بی‌ثباتی اجتماعی، ظلم و بیدادگری حکومت، وجود ترکان عثمانی در شبه جزیره آسیای صغیر در همسایگی ایران به عنوان سدّی بین ایران و اروپا^۲ و نیز توجه بیش از حد به سیاست‌های مذهبی و علوم دینی^۳ از زمان صفویه به بعد^۴، سبب بی‌خبری حاکمان و مردم این سرزمین از تحولات دنیا، انحراف افکار از رشته‌های علمی خصوصاً علوم و فنون جدید و کند شدن روند پذیرش فرهنگ و تمدن نوین شده بود^۵. از سوی دیگر در سال-های پایانی قرن ۱۸/م ۱۲ق، وقایع بزرگ و متعددی شکل گرفت که تحولات شگرفی را در حیات سیاسی و اقتصادی اروپا و به تبع آن سایر نقاط دنیا به وجود آورد. در این زمان انگلستان، قدرت استعماری دنیا، همچنان به تصرف کشورهای مختلف-از جمله هند در همسایگی ایران- مشغول بود؛ فرانسه پس از انقلاب این کشور در سال ۱۷۸۹/م ۱۲۰۴ق با شعارهای آزادی‌خواهی و برابری به سرعت در پی نفوذ در کشورهای دیگر بود و روسیه در همسایگی ایران، نقشه تجاوز به کشورهای دیگر را در سر می‌پروراند^۶. در چنین شرایطی، در آغاز قرن ۱۹/م ۱۳ق مصادف با پادشاهی فتحعلی شاه(۱۲۱۲ق)، رقابت بین دولت‌های قدرتمند جهان بر سر مناطق زرخیز آسیا و آفریقا شدیدتر شد و هر کشوری که توان مقابله با اوضاع و دفاع از خاک خود را نداشت به‌ناچار مغلوب شرایط پیش آمده می‌شد.

آموزش و پرورش جدید پس از ظهور متفکرانی در دوره رنسانس که بر اصل انسان‌گرایی^۷ و طبیعت‌گرایی^۸ تأکید داشتند، به تدریج بر مبنای علوم تربیتی و روان‌شناسی و با تأکید بر آموزش تجربی، فنی و علمی شکل گرفت^۹ و با کاهش نفوذ رهبران کاتولیک و ایجاد بنیادهای نو در امر تعلیم و تربیت، زمینه برای ایجاد مدارس جدید با برنامه‌ها و شیوه‌های جدید فراهم

۱. شمیم، .

۲. آدمیت، .

۳. محبوبی اردکانی، .

۴. صدیق، .

۵. محبوبی اردکانی، .

۶. نوایی، - .

۷. Humanism: نخستین جنبش در دوره رنسانس که در پی حضور آزادانه و تلاش اندیشمندان یونانی در اروپا برای آشنایی مردم با فرهنگ یونان و روم قدیم شکل گرفت.

۸. Naturalism: از جمله فلسفه‌های محض قدیمی است که طبیعت را تنها واقعیت موجود می‌پندارد و بر زندگی هم‌ساز با طبیعت و کاربرد روش علمی تأکید می‌نماید.

۹. برای جزئیات بیشتر نک: صدیق، ۳۱۸-۳۳۱.

شد.^۱ از این رو زمامداران کشورهای اروپایی که تا قرن ۱۸م/۱۲ق به تعلیم و تربیت عمومی توجهی نداشتند، در اثر جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی به وقوع پیوسته و پیشرفت‌های خیره‌کننده علمی، به اهمیت آن در حفظ ثبات و پیشرفت کشور خود بیشتر پی بردند و با فراهم آوردن مقدمات اجرای آن، شروع به تأسیس و گسترش مدارس کردند و تعلیمات ابتدایی را اجباری و عمومی نمودند. سایر مؤسسات آموزشی نیز مردم را بر اساس توانایی‌ها و علایقشان برای مشاغل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آماده می‌کردند؛^۲ زیرا علاوه بر اینکه پیشرفت شیوه‌های جدید تولیدی و توسعه سریع کارخانه‌ها نیاز به کارکنانی باسواد داشت، این باور به وجود آمد که از طریق آموزش می‌توان ضمن اعتلای اخلاق و کنترل جامعه، توانایی دسترسی به مسئولیت‌ها را پیدا کرد.^۳ بنابراین اغلب کشورهای اروپا در قرن ۱۹م/۱۳ق دارای سازمانی وسیع برای تربیت مردم شدند که دولت عهده‌دار مسئولیت آن مهم بود.^۴ از مهم‌ترین اهداف نظام آموزش و پرورش متحول شده غرب در سده‌های ۱۸ و ۱۹م/۱۲ و ۱۳ق، پرورش افرادی اجتماعی، میهن‌پرست و متخصص جهت بر طرف کردن نیازهای جامعه بوده است. بدین ترتیب سطوح مختلف آموزشی از پیش از دبستان تا دانشگاه توسعه پیدا کرد، سازمان‌های تربیتی برای آموزش دختران به وجود آمد و مدارس حرفه‌ای برای تربیت افراد ماهر در صنعت رونق دوچندان یافت.^۵

در چنین شرایطی و در حالی که در اروپا توجه خاص به علوم طبیعی و کاربرد آن در زندگی سبب ایجاد صنایع و تخصص‌های گوناگون و پیشرفت‌های قابل ملاحظه شده بود، ایران در نتیجه ساخت اجتماعی و سیاسی ویژه خود، دارای نیروی نظامی بسیار ضعیف، تشکیلات اداری ناکارآمد، نظام مالی فرسوده و نهاد تربیتی و آموزشی توسعه‌نیافته و سنتی بود. در زمینه تعلیم و تربیت در حالی که نوع تعالیم مکتب‌خانه‌ها محصلان را به دانش‌های موردنیاز مجهز نمی‌کرد، عالی‌ترین هدف، پرورش روحانیون عالی مقام بود. مکتب‌ها واجد ضوابط و مقررات سازمان یافته‌ای نبودند و از طرف حکومت نظارت و کنترلی بر کار آنها اعمال نمی‌شد.^۶ امکانات

۱. آقازاده، .

۲. صدیقی، -

۳. میلاره، -

۴. همو، ۳۲۱.

۵. همو، ۱۳۵.

۶. علاقه بند، ۶۳.

امکانات محدود و نامناسب محیط درس و وضعیت بهداشتی نامطلوب از دیگر کاستی‌های مکتب خانه‌ها به شمار می‌رفت. زبان غیر مادری عربی را که کودک مجبور بود طوطی‌وار یاد بگیرد در عمل هیچ کاربردی نداشت^۱ و تحصیل و یادگیری بدون فهم و تفکر صورت می‌گرفت^۲. مواد درسی نیز منحصر بود به کتاب‌های عربی و دینی و ادبیات فارسی و از علوم کاربردی و جدید هیچ اثری نبود؛ ضمن اینکه محتوای دروس هیچ گونه هماهنگی با توانایی‌های ذهنی و سن کودک و نیازهای روز نداشت؛ سخت‌گیری‌های غیرمنطقی مکتبداران و بی‌اطلاعی آن‌ها از اصول تعلیم و تربیت را نیز باید بر عواملی افزود که سبب می‌شد آموزش اغلب با خشونت همراه باشد.^۳

جنگ‌های ایران و روسیه و شروع تحولات

وجود چنین مشکلاتی در نظام آموزشی قاجار و عدم توانایی در پاسخگویی به نیازها، موجب عقب‌افتادگی ایران در کلیه زمینه‌ها شده و تسلط سایر قدرت‌های استعمارگر را به راحتی امکان پذیر ساخته بود. در چنین شرایطی بود که دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه در پی اهداف توسعه طلبانه آن کشور در سال ۱۲۱۸ ق/ ۱۸۰۴ م آغاز شد. فتحعلی شاه برای مقابله با روس‌ها از فرانسه تقاضای کمک کرد و در فین‌کنشتاین^۴، قرارداد همکاری بین دو کشور بسته شد، اما چندی نگذشت که به دلیل تغییر سیاست فرانسه و انعقاد مخفیانه قرارداد تیلسیت^۵ با روسیه، این همکاری متوقف گردید و این بار ایران از انگلیس تقاضای کمک نمود و چون این کشور نیز به تعهداتش عمل نکرد، دولت ایران پس از شکست‌های متوالی در دو جنگ نابرابر،

۱. سرمد، ۹۶-۹۷.

۲. صدیق، ۳۸۳.

۳. برای جزئیات بیشتر: همو، ۳۸۲-۳۸۵.

۴. Finkenstein، بر اساس این قرارداد که در ۴ می ۱۸۰۷/۲۵ صفر ۱۲۲۲ به امضا رسید، فرانسه علاوه بر تضمین استقلال ارضی ایران، حق این کشور بر گرجستان را به رسمیت شناخت و تعهد نمود روسیه را به تخلیه گرجستان و ادار سازد و تجهیزات و کارشناسان نظامی در اختیار ایران قرار دهد. ایران نیز پذیرفت ضمن قطع روابط با انگلیس و اعلان جنگ فوری به آن دولت، برای حمله به متصرفات آن‌ها در هند، با افغان‌ها متحد شده، در صورت لزوم راه عبور ارتش فرانسه به هند را هموار سازد (گاردان، ۱۰۵-۱۰۹).

۵. Tilsit، در ۲ جولای ۱۸۰۷/۲۶ ربیع الثانی ۱۲۲۲ که هیأت نظامی فرانسوی هنوز به ایران نرسیده بود، ناپلئون برای اینکه در رقابت با انگلیس از مخالفت روس‌ها در امان باشد، در تیلسیت با روسیه صلح کرد و ناچار آنچه در عهدنامه فین‌کنشتاین به ایران وعده کرده بود، اعتبار خود را از دست داد (گاردان، ۳۹).

طی معاهده‌های گلستان در ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م و ترکمنچای در ۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م بخش‌های عمده‌ای از شمال کشور را به متجاوزان واگذار نمود.^۱

شکست در برابر روس‌ها، با وجود سال‌ها پایداری، به علت نداشتن برنامه صحیح، سلاح پیشرفته و افراد کارآمد، موجب آگاهی و توجه بعضی از دولتمردان همچون عباس میرزا و میرزا عیسی قائم مقام به ضعف‌ها و کمبودهایی شد که به دلیل عدم اطلاع از پیشرفت‌های صورت گرفته در دنیا دامنگیر کشور شده و اکنون به صورت ضعف تجهیزات و دانش نظامی آشکار شده بود. این تنبّه و نیز آگاهی از تحولاتی که در کشورهای همسایه صورت می‌گرفت، سبب شد برای رفع این نیازها و کاستی‌ها اقداماتی صورت دهند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها در زمان حکومت فتحعلی شاه و تأثیراتی که در تحول نظام تعلیم و تربیت کشور داشتند، پرداخته می‌شود.

حضور هیأت‌های نظامی خارجی در ایران

با آغاز قرن ۱۹م و شروع تجاوزات روس‌ها به ایران و رقابت‌هایی که بین کشورهای فرانسه، انگلیس و روسیه در دست‌یابی به هند و پیشبرد سایر اهداف استعماری شان وجود داشت و به دلیل نیازی که ایران به حمایت کشورهای قدرتمند در برابر روسیه احساس می‌کرد، روابط با انگلیس و فرانسه مجدداً و این بار پررنگ‌تر از سابق برقرار شد. در این میان، آنچه به تحول ایران کمک کرد و سرآغاز اقدامات اصلاح‌گرانه در کشور شد، حضور هیأت‌های کارشناسی و نظامی این کشورها در پی توافقات دوجانبه‌ای بود که هرچند پس از مدتی کوتاه معمولاً ناتمام می‌ماند، اما تأثیرات آن در دگرگونی نظام آموزشی کشور و آشنایی با شیوه‌های نوین آموزشی و همچنین علوم جدید بسیار اساسی بود. چنین بود که عباس میرزا ابتدا عده‌ای از افسران روسی را که به ایران پناهنده شده بودند برای تربیت سربازان منصوب کرد و خود نیز تحت آموزش‌های آنان قرار گرفت؛^۲ سپس با حضور هیأت کارشناسان فرانسوی و پس از آن انگلیسی، در صدد ایجاد قوای نظامی جدیدی برآمد.^۳

۱. سلطان زاده، ۲۴۵.

. نجمی، ۳۴.

. همو، ۴۲-۴۳.

هیأت کارشناسان نظامی فرانسوی. دولت فرانسه که همواره در اندیشه دست‌یابی به مستعمره‌های سودمند بود تا ضمن بهره‌مندی از منابع مادی و معنوی آن‌ها و ایجاد بازارهایی مناسب برای محصولات صنعتی خویش، فرهنگ اروپایی را برای تسلط هر چه بیشتر، به این کشورها وارد نماید،^۱ از آغاز حکومت قاجار به فکر تجدید روابط با ایران افتاد. در واقع رابطه جدی ایران با فرانسه، از زمان فتحعلی شاه آغاز شد که بر اساس قرارداد فین‌کنشتاین، هیأتی از کارشناسان و نظامیان فرانسوی شامل افسران نظامی، مهندس، توپچی، منشی، پزشک، کارگران فنی و متخصصین توپ‌سازی^۲ به سرپرستی ژنرال گاردان^۳ به منظور رسم نقشه‌های نظامی، ایجاد استحکامات و سلاح‌های جدید و آموزش سربازان به ایران آمدند.^۴ افرادی از این گروه مانند بن‌تان^۵ و وردیه^۶ افسران تیپ پیاده، در آذربایجان به تعلیم پیاده و سواره نظام ایران مشغول شدند و سروان مهندس لامی^۷ به تعمیر و ساخت قلعه‌های نظامی در آن منطقه مشغول شد. لامی همچنین با ایجاد مدرسه‌ای نظامی در لشکرگاه عباس میرزا، به آموزش جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله مشغول شد. فابویه^۸ و ربول^۹ که کارشناس توپخانه بودند، علی‌رغم اینکه اینکارگر یا دستیار آزموده‌ای در اختیار نداشتند، در اصفهان یک کارگاه توپ‌سازی ایجاد کردند. افسران دیگر نیز علاوه بر خدمات متناسب با تخصص خود، به تشکیل سه مرکز تعلیمات نظامی در تهران، تبریز و اصفهان اقدام نمودند.^{۱۰} اما در نهایت، به دلیل اتحاد بین فرانسه و روسیه، این هیأت پس از اندک مدتی در ذی الحجه ۱۲۲۴/فوریه ۱۸۰۹ ایران را ترک نمود.^{۱۱} پس از آن افسران دیگری به طور نامنظم و پراکنده و به دلایل مختلف، به ایران آمده مشغول کار می‌شدند. یکی از این افراد که در سال ۱۲۳۹ق/۱۸۲۴م به ایران آمد و ماندگار شد، سرتیپ سمینو^{۱۲} بود. وی در آغاز ورود، در تبریز به عنوان مهندس جغرافیا مشغول کار شد و پس از دو

۱. حائری، ۲۴۳.

۲. نک: گاردان، ۱۲۰-۱۲۲.

3. Gardanne.

۴. همو، ۱۱۲-۱۱۳.

5. Bontens.

6. Verdier.

7. Lamy.

8. Fabvier.

9. Reboul.

۱۰. محبوبی اردکانی، ۷۴-۷۶.

۱۱. گاردان، ۱۰۱.

12. Semino.

سال کار در این سمت، نقشه نسبتاً دقیقی از شمال کشور و دریاچه ارومیه تهیه کرد.^۱ همچنین همچنین به عنوان بازرس به تعیین حدود مرزی میان ایران و روسیه پرداخت.^۲ با آنکه حضور کوتاه مدت فرانسوی‌ها در ایران نتایج پربراری در امر نظامی کشور نداشت، ایرانیان را به مزایای سلاح‌ها و اصول جدید نظامی آگاه ساخت^۳ و علاوه بر آن سبب آشنایی هر هر چه بیشتر مردم با دانش‌ها و شیوه‌های جدید آموزشی شد. از این زمان است که تأثیرات نظام تعلیم و تربیت کشور فرانسه در آموزش و پرورش جدید ایران بیشتر آشکار می‌گردد.

هیأت کارشناسان نظامی انگلیسی. با آغاز درگیری‌ها میان ایران و روسیه، انگلیسی‌ها که قبل از فرانسه با ایران روابط حسنه داشتند، پس از خروج هیأت گاردان از ایران، ابتدا هیأتی را به سرپرستی هارفورد جونز^۴ در سال ۱۸۰۹م/۱۲۲۴م به ایران فرستادند که منجر به عقد قراردادی بین دو کشور شد؛ از جمله تعهدات انگلیسی‌ها، تدارک توپ و تفنگ به اندازه کافی و آموزش سربازان ایرانی را می‌توان نام برد.^۵ یک سال بعد، جان ملکم^۶ با سلاح‌های جدید و هیأتی نظامی به ایران آمد.^۷ در سال ۱۲۲۶ق/۱۸۱۱م سفیر جدید انگلیس، گور اوزلی^۸ به همراه هیأتی ۳۰ نفره از افسران و معلمان نظامی به فرماندهی داری^۹ وارد کشور شد.^{۱۰} این هیأت، به ایجاد تسلیحات نظامی و کارخانه ریخته‌گری در تبریز و آموزش فنون نظامی به سپاهیان عباس میرزا پرداخت.^{۱۱} پس از آن در سال ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م نیز، یک گروه ۲۵ نفره از

۱. ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار، ۵۴.

۲. همان، ۵۶.

۳. گاردان، ۱۰۳.

4. Harford Jones.

۵. بر اساس این عهدنامه که در تهران به امضا رسید، دولت ایران کلیه قراردادهایی را که با سایر دولت‌های اروپایی بسته و به آنان اجازه عبور از خاک خود به سمت هندوستان را داده بود، ملغی کرد. در مقابل، دولت انگلیس متعهد شد، در صورت تجاوز افغان‌ها یا هر یک از کشورهای اروپایی به ایران، کمک‌های نظامی لازم را فراهم نماید(رایت، ۱۶).

6. John Malcolm.

۷. همو، ۱۷.

8. Gore Ouseley.

9. D'Arcy.

۱۰. رایت، ۷۲.

۱۱. نک: همو، ۷۴-۷۵.

افسران انگلیسی وارد تبریز شدند و بدین ترتیب گروه متخصصان انگلیسی حاضر در ایران به بیش از ۵۰ نفر رسید.^۱

هیأت‌های انگلیسی اغلب در زمینه نظامی به آموزش افراد سپاه ایران و نقشه‌برداری و اکتشافات جغرافیایی و ساختن تجهیزات نظامی مثل توپ می‌پرداختند. از جمله افرادی که خدمات قابل ملاحظه‌ای در تعلیم سربازان انجام دادند، سرگرد پیاده کریستی^۲ و افسر توپخانه لیندسی^۳ را می‌توان نام برد.

با حضور هیأت‌های خارجی در کشور، عناصری از گروه‌های مؤثر اجتماعی با برخی از علوم و فنون جدید آشنا شدند که در آن شرایط مغتنم شمرده می‌شد. اما از آنجا که سربازان ایرانی کم‌سواد یا بی‌سواد بودند، طبعاً آموزش‌های نظامی در مدتی کوتاه و حتی طولانی نمی‌توانست پاسخگو باشد؛ به همین دلیل لزوم تحول اساسی در نظام آموزشی بیشتر آشکار شد. به این جهت فعالیت کارشناسان غربی علاوه بر تأثیرگذاری در زمینه آموزش‌های نظامی، که ایران به آن نیاز فوری داشت، در دیگر ابعاد آموزش و پرورش و علوم و فنون غیرنظامی نیز در جامعه بسیار قابل ملاحظه بود.

اعزام محصل و کارآموز به خارج

با گسترده شدن روابط ایران با کشورهای اروپایی و ورود مظاهر فرهنگ و تمدن جدید به کشور، در ابتدا کسانی که در رأس حکومت قرار داشتند با این پدیده‌ها آشنا شدند و برحسب علاقه یا نیازی که احساس می‌کردند، در حد امکان سعی در کسب آن می‌نمودند. علاوه بر نیاز اولیه کشور به تجهیزات و دانش نظامی که قبل از زمان صفویه وجود داشت، حضور اروپایی‌ها در کشور، ایرانیان را با جنبه‌هایی از فرهنگ و هنر آن‌ها آشنا می‌ساخت. بهره‌گیری از دانش و تخصص جدید که در جهان غرب وجود داشت، نه تنها با حضور اروپایی‌ها در داخل کشور امکان پذیر بود بلکه اعزام محصل یا کارآموز به کشورهای صاحب فن و دانش نیز از مهم‌ترین راه‌های انتقال این دانش به کشور محسوب می‌شد.

یکی از علل مهم پیدایش آموزش و پرورش جدید در ایران، گرایش به تحصیلات و علوم غربی در زمان فتحعلی شاه قاجار بود که ایده اعزام محصل به خارج برای برآوردن این نیاز

۱. همو، ۷۲.

2. Christie.

3. Lindsay.

توسط عباس میرزا و وزیر وی قائم مقام اول پی‌گیری و انجام شد. در حقیقت، بی‌اعتمادی به غربی‌ها به دنبال پیمان‌شکنی فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها در انجام تعهدات خود در خلال جنگ ایران و روسیه و همچنین ضعف سپاه سنتی ایران، فکر اعزام محصل به خارج را جهت فراگیری آموزش‌های مورد نیاز کشور تقویت کرد. بر همین اساس، ابتدا دو نفر در سال ۱۸۱۱م و پنج نفر، در ۱۸۱۵م، برای تحصیل و کارآموزی به انگلیس فرستاده شدند.

تحصیلات و اقدامات گروه اول. در سال ۱۲۲۶ق/۱۸۱۱م، جونز سفیر انگلیس در بازگشت به کشور خود، به درخواست عباس میرزا پذیرفت که دو نفر از جوانان ایرانی را برای تحصیل علم و هنر به لندن ببرد. این دو نفر، محمدکاظم پسر نقاش‌باشی عباس میرزا برای فراگیری نقاشی و حاجی بابا افشار پسر یکی از صاحب‌منصبان وی برای تحصیل پزشکی و شیمی بودند. در آن زمان هنوز عکاسی وارد ایران نشده بود و از نقاشی برای ثبت تصاویر و رسم مکان‌های نظامی و سایر موارد استفاده می‌شد. به همین دلیل، محمدکاظم که استعداد نقاشی داشت برای آموزش این هنر به اروپا اعزام شد. همچنین به دلیل کمبود پزشک در ایران و بی‌اطلاعی از شیوه‌های نوین درمان، رشته پزشکی و داروسازی مورد توجه قرار داشت که حاجی بابا برای این هدف در نظر گرفته شد. مخارج تحصیل این دو را دولت انگلیس بر عهده گرفته بود. هرچند در مورد این دو گفته شده که در هنگام اعزام حتی سواد خواندن و نوشتن فارسی را نیز به درستی دارا نبودند، اما هر دو نفر در امر تحصیل، استعداد بسیار خوبی از خود نشان دادند. محمدکاظم با آنکه نزد استادان بزرگ نقاشی انگلیس آموزش می‌دید، فرصت نیافت از مهارت خود برای کشور استفاده کند و پس از هجده ماه اقامت در لندن در سال ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م به دلیل بیماری سل درگذشت و تحصیلاتش ناتمام ماند.^۱ اما حاجی بابا که محصلی کوشا و با استعداد بود ضمن سپری کردن بخشی از تحصیلات خود در دانشگاه آکسفورد، پس از بازگشت، در دستگاه عباس میرزا و در کنار پزشک انگلیسی ولیعهد، به عنوان دستیار به کار مشغول شد و از آنجا که به زبان انگلیسی و آداب اروپایی آشنایی یافته بود به عنوان مترجم و پزشک با هیأت‌های اعزامی به اروپا همراه می‌شده و یا زمانی که اروپایی‌ها به ایران می‌آمدند رابط و مترجم ایشان در دربار می‌شد.^۲

۱. مینوی، ۱۸۳-۱۸۵.

۲. محبوبی اردکانی، ۱۲۵-۱۲۶.

تحصیلات و اقدامات گروه دوم. دسته دوم محصلین که پنج نفر بودند، به تشویق کلنل دارسی در سال ۱۲۳۰ق/۱۸۱۵م به انگلیس اعزام شدند.^۱ این عده پس از بازگشت به کشور هر کدام در دستگاه ولیعهد، عباس میرزا، به خدمتی متناسب با تحصیلات خود مشغول شده به تدریج به مقام‌هایی دست یافتند.^۲

میرزا صالح شیرازی مهم‌ترین فرد این گروه، علاوه بر آموختن زبان‌های انگلیسی، فرانسه و لاتین و برخی علوم دیگر، صنعت چاپ را نیز فرا گرفت و نخستین چاپخانه دولتی ایران را در تبریز به راه انداخت و روزنامه‌ای به نام «کاغذ اخبار» در تهران منتشر نمود.^۳ وی از آنجا که نسبت به دوستان خود، آزموده‌تر و در مسائل سیاسی و اجتماعی اروپا آگاه‌تر بود و از سوی دیگر، بر چند زبان تسلط داشت، علاوه بر اینکه به آموزش جوانان می‌پرداخت، تجربیاتش در ترجمه و امور سیاسی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. سفرنامه^۴ و مقاله‌ای با عنوان «گفتار اندیشیده‌ای در اصول آزادی و حکومت دموکراسی»^۵ از یادگارهای اوست. وی علاوه بر چاپ روزنامه برای اولین بار، پیشرو اندیشه‌های جدید مغرب زمین در کشور به شمار می‌رود.^۶ او مسائلی همچون نظام پارلمانی، اهمیت حکومت قانون، لزوم آزادی و حق شرکت در حکومت از طریق انتخابات برای مردم، محدود بودن قدرت و اختیارات شاه^۷ را مطرح کرده و در سفرنامه خود از مظاهر تمدن جدید سخن گفت؛^۸ به همین سبب در آگاه کردن مردم و تشویق به نوگرایی و اصلاحات در کشور نقش مهم و بسزایی داشته است.

فرد دیگر این گروه، میرزا جعفر خان ملقب به مشیرالدوله، پس از بازگشت با عنوان مهندس به آموزش ریاضیات پرداخت. نخستین هیأت وزیران را او در سال ۱۲۷۰ق در ایران تشکیل داد و خود به عنوان رئیس الوزرا انتخاب شد و در سال ۱۲۷۷ق با حفظ سمت قبلی به عنوان سفیر ایران در انگلیس تعیین گردید.^۹ میرزا رضا ملقب به مهندس باشی، از دیگر افراد اعزامی بود که

۱. همو، ۱۳۰-۱۳۳.

۲. همو، ۱۷۶.

۳. حائری، ۳۱۲-۳۱۳.

۴. محبوبی اردکانی، ۱۷۷-۱۷۹.

۵. آدمیت، ۱۶۲-۱۶۳.

۶. همو، ۳۶۹.

۷. حائری، ۳۱۳.

۸. مرادی نژاد، ۹۴.

۹. محبوبی اردکانی، ۱۸۰-۱۸۱.

که زبان انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در هندسه و قلعه‌سازی مهارت کامل داشت. ترجمه تاریخ پطر کبیر از انگلیسی و تاریخ ناپلئون از فرانسه به فارسی^۱ و ترجمه‌هایی از ولتر^۲ و گیبون^۳ از کارهای اوست.^۴ وی در زمینه ترجمه کتاب اقدامات مفیدی را انجام داد. محمدعلی محمدعلی چخماق ساز نیز که قبل از اعزام در کارگاه اسلحه‌سازی تبریز استادکار بود، در بازگشت، در کارخانه توپ‌سازی به کار خود ادامه داد.

علاوه بر افراد ذکر شده چند نفر هم برای تحصیل یا کارآموزی به روسیه اعزام شدند؛ از جمله جعفرقلی بیگ افشار برای کار در معادن سیبری و حاجی عباس شیرازی برای فراگیری گل‌سازی در سال ۱۲۳۵ق و میرزا جعفر برای فراگیری صنعت چاپ در مسکو در سال ۱۲۳۸ق.^۵

این عده و محصلین بعدی خارج از کشور در بازگشت، اغلب به عنوان معلم، مترجم و یا در کار مطبوعات و روزنامه نگاری به فعالیت پرداختند. در واقع این افراد را باید از مهم‌ترین عوامل پیدایش آموزش و پرورش جدید در کشور دانست زیرا با آگاهی از سبک تعلیمات و دانش‌های جدید و شیوه‌های متنوع آموزشی، تجربیات مفید خویش را در اختیار سایر هموطنان قرار دادند و با انجام فعالیتهای متنوع، موجب آگاهی و توجه افکار عمومی به عقب‌افتادگی‌ها و تشویق برای بهبود وضع کشور شدند.

مؤسّسات صنعتی جدید

به دنبال نیازهای روزافزون و گسترش علوم و فنون در غرب، مؤسّسات صنعتی، کارخانجات و صنایع جدید شکل گرفتند و در پی آن نیاز به تربیت نیروی کارآمد، آموزش و پرورش رسمی و جدید را به وجود آورد و ارتباطات بازرگانی، تجاری و حتی سیاسی بین کشورها باعث انتقال این دستاوردهای تمدن جدید شد.

جنگ‌های ایران و روسیه دوره‌ای جدید از روابط با اروپایی‌ها را در پی داشت. در این زمان، علاوه بر توانایی‌های فنی و علمی، رقابت‌های استعماری بین این کشورها نیز بر نوع سیاست-

۲. همو، ۱۸۴-۱۸۵.

3. Voltaire.

4. Gibbon.

۵. بهنام، ۴۶.

۶. محبوبی اردکانی، ۱۸۶-۱۸۹.

های خارجی آن‌ها تأثیر گذاشته بود. از این رو نخستین نیازهای ایران عصر قاجار به مظاهر تمدن جدید، در حوزه نظامی معطوف گردید که پس از آن با آشکارتر شدن ضعف‌ها و کمبودها، سایر مؤسسات تمدنی جدید را در بر گرفت.

در حالی که صنایع داخلی ایران محدود و منحصر به تولیدات دستی و نیروی کار انسانی بود و از ابزار و آلات ساده استفاده می‌شد^۱، با ورود کارشناسان نظامی اروپایی به کشور، چندین کارخانه توپ‌سازی ساخته شد و سلاح‌هایی جدید وارد کشور گردید. به این ترتیب، ورود تکنولوژی غرب به کشور و راه‌اندازی کارخانجات مختلف، بهره‌برداری از معادن، ساخت راه‌ها، ایجاد بیمارستان، داروخانه و ... نیاز به علوم و دانش‌های جدید و افرادی دانش‌آموخته و کارشناس داشت، دانش‌هایی که هیچ یک از آن‌ها نه در مکتب‌ها و مدارس ایران وجود داشت و نه معلم و استادی بود که این علوم را فرا گرفته باشد. مردانی آگاه مثل عباس میرزا و قائم مقام اول که در پی جبران عقب‌ماندگی‌ها بودند، به ایجاد صنعت چاپ که گامی اساسی برای تحول یک جامعه محسوب می‌شود، معدن‌شناسی، بلورسازی و ... توجه نشان دادند. علاوه بر استفاده از متخصصین و کارشناسان خارجی، عده‌ای صنعتگر به خارج از کشور اعزام شدند تا در کشورهایی مانند روسیه، عثمانی، انگلیس و فرانسه که در این زمینه‌ها دارای تجربه و پیشرفت بودند، تخصص‌های لازم را فرا گیرند. بنابراین، همگام شدن اجباری با تحولات دنیا و به دنبال آن بهره‌مندی از مظاهر فرهنگ و تمدن جدید، نیاز به دانش نوینی را آشکار می‌کرد که در ایران عصر قاجار وجود نداشت؛ بر همین اساس تحول در نظام آموزشی، امری کاملاً اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

صنعت چاپ، تألیف و ترجمه کتاب

در زمان فتحعلی شاه هنگامی که چند کارآموز برای آموختن صنعت چاپ به خارج اعزام شدند و چند استاد صنعتگر در این زمینه به ایران آمدند و چاپخانه حروفی و سنگی در تبریز و تهران دایر شد، مقدمات ترجمه و چاپ کتاب فراهم گردید^۲. از این پس بود که بر اساس مقتضیات زمان و نیازهای کشور، به ترجمه کتاب‌های تاریخی خصوصاً از زبان‌های فرانسه و انگلیسی علاقه نشان داده شد.

۱. شمیم، ۳۸۹.

۲. آرین پور، ۲۲۹.

کتاب *فتح‌نامه* نوشته میرزا ابوالقاسم قائم مقام که راجع به جنگ ایران و روسیه بود، به وسیله دستگاه چاپی که در سال ۱۲۳۲ ق وارد تبریز شده بود، به چاپ رسید.^۱ از سال ۱۲۳۵ ق به بعد نیز که میرزا صالح دستگاه چاپی را وارد کشور کرد، به تدریج بر تعداد چاپخانه‌ها افزوده شد^۲ و شهرهای دیگری مثل شیراز، اصفهان، بوشهر، ارومیه و مشهد دارای چاپخانه شدند.^۳ در سال ۱۲۴۰ ق هم که زین العابدین تبریزی به دعوت فتحعلی شاه به تهران آمد، با کمک منوچهرخان معتمدالدوله، کتاب‌های بسیاری را چاپ نمود که بیشتر آن‌ها به اقتضای زمان دینی و امثال آن بوده است.^۴ از میان اولین کتاب‌های چاپ شده حروفی در تبریز، *مآثر سلطانی* تألیف عبدالرزاق بیگ دنیلی در سال ۱۲۴۰ ق و پس از آن رساله *آبله کوبی* را می‌توان نام برد.^۵ ترجمه کتاب از عربی به فارسی در تمام دوره‌ها خصوصاً در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ ق در زمان صفویه جریان داشته است،^۶ اما از زمان عباس میرزا بود که ترجمه و چاپ کتاب‌های تاریخی انگلیسی و فرانسوی آغاز گردید،^۷ به عنوان مثال می‌توان از *تاریخ دولت روم، تاریخ پطر کبیر و شارل دوازدهم، تاریخ اسکندر* و کتاب‌هایی درباره ناپلئون نام برد.^۸ علاوه بر این، به علت علاقه زمامداران کشور به آگاهی از اوضاع جهان، ترجمه کتاب‌های جغرافیایی، سفرنامه‌ها و آثار رمان-نویسان فرانسوی و انگلیسی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس نوشته جان ملکم در کتاب خویش درباره قدیمی‌ترین کتاب‌های اروپایی ترجمه شده به فارسی، «مختصری از قواعد کپرنیک با شرح نیوتن» و از قول سرهنگ دروویل^۹ در سفرنامه وی، کتاب‌های نظامی گیبرت و آئین نامه-نامه‌های مانور پیاده نظام را باید ذکر نمود.^{۱۰} ترجمه‌ها بیشتر توسط اروپائیان یا ارمنی‌هایی که به فارسی آشنایی داشتند یا محصلینی که از خارج از کشور بازگشته بودند صورت می‌گرفت و

۱. همو، ۲۳۰.

۲. همانجا.

۳. محبوبی اردکانی، ۲۱۷-۲۱۸.

۴. آربن پور، ۲۳۱.

۵. براون، ۱۲۶.

۶. *تاریخچه معارف ایران*، ۴۵۹.

۷. آدمیت، ۳۷۸.

۸. همو، ۱۶۳.

9. Drouvilles.

۱۰. محبوبی اردکانی، ۲۲۵.

توسط منشیان و ادیبان ایرانی به زبان ادبی نگارش می‌شد.^۱ از مترجمین معروف آن زمان باید از شاهزاده محمدطاهر میرزا مترجم آثار الکساندر دوما و میرزا رضا مهندس نام برد.^۲ کتاب‌هایی که از زمان عباس میرزا تا سال‌ها بعد در ایران تألیف یا ترجمه شد، در وهله نخست غالباً در زمینه‌های نظامی، تاریخ، جغرافیا، سفرنامه و کتاب‌های درسی بود که عموماً توسط محصلین ایرانی خارج از کشور یا فارغ التحصیلان مدارس داخلی صورت می‌گرفت و با حمایت افراد فرهنگ‌دوست یا برخی از دولت‌مردان به چاپ می‌رسید.^۳ ترجمه آثار ارزنده ادبیات اروپا و آثار علمی، فلسفی، سیاسی و اقتصادی در بیداری افکار، رشد ادبیات انتقادی، پیدایش اندیشه‌های اصلاح طلبانه و شناخت مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی غرب بسیار مؤثر واقع گردید. از این رو کاملاً آشکار است که نهضت تألیف و ترجمه کتاب چگونه بر نظام سنتی تعلیم و تربیت ایران با دروس محدود و شیوه آموزشی نامطلوب تأثیر گذاشت. علاوه بر ایجاد تحول در سیستم تعلیمی جامعه و آشنا نمودن مردم با فرهنگ جدید، عاملی برای جایگزینی شیوه‌ای جدید از آموزش و تربیت فرزندان ایرانی شد و ثابت کرد که عصر بی‌خبری و تکیه بر معلومات قدیمی و ناکارآمد در زندگی سپری شده است و برای پیشرفت جامعه و تغییر اوضاع خصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت لازم است اصلاحاتی اساسی صورت پذیرد.

رفت و آمدهای ایرانیان و اروپایی‌ها

پس از انقراض دولت صفویه، با توجه به اهمیت یافتن بنادر و جزایر خلیج فارس از نظر تجارت و کشتیرانی، مراودات اروپایی‌ها با ایران افزایش یافت و حضور و اقامت تعدادی از آنها در این سرزمین سبب ترویج برخی آثار تمدنی جدید در کشور شد.^۴ در زمان فتحعلی شاه این ارتباطات مجدداً برقرار گردید و سبب شد که ایرانیان نیز به خارج از کشور سفر کنند. از طرفی با توسعه وسایل ارتباطی نظیر کشتی بخار، راه آهن و همچنین افتتاح کانال سوئز، زمان مسافرت بین اروپا و ایران بسیار کاهش یافت؛ بنابراین افراد بسیاری در قالب هیأت‌های سیاسی،

۱. همو، ۲۲۹.

۲. بهنام، ۴۵-۴۶.

۳. سرمد، ۵۸.

۴. محبوبی اردکانی، ۱۹-۲۰.

تاجر، مبلغ مذهبی، نظامی، گردشگر، محقق و ... به ایران آمدند. علاوه بر آن جنگ‌های طولانی مدت با روسیه نیز به وارد شدن ایرانیان به عصر و فضای جدید سرعت بخشید.^۱

شاهزادگان قاجاریه و برخی از درباریان که بیشتر با اروپائی‌ها در تماس بودند به تدریج با زبان‌های آن‌ها آشنا شده در قلمرو حکومت‌های خود از نشر زبان و علوم اروپایی حمایت می‌کردند. در جنوب ایران، نفوذ سیاسی انگلیس سبب آشنایی مردم این منطقه با زبان انگلیسی شده و کسانی که به هند رفت و آمد داشتند یا در مدارس انگلیسی‌ها تحصیل می‌کردند، به دلیل آشنایی با فرهنگ و افکار آن‌ها، مروج آن در کشور می‌شدند. همچنین مهاجرین قفقازی و روسی، واسطه انتقال فرهنگ اروپایی در کشور بودند.^۲

ایرانیانی که به خارج از کشور سفر می‌کردند ابتدا بیشتر از میان دولتمردان بودند، چنانکه بر اساس معاهده‌ای که بین ایران و انگلیس در سال ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م بسته شده بود، میرزا ابوالحسن ایلچی به عنوان سفیر رسمی پادشاه به همراه جیمز موریه^۳ راهی لندن شد و از آن زمان بود که مقدمات پیوند همه جانبه دیپلماسی میان ایران و انگلیس در سطح سفیر فراهم گردید. یکی از آثار دیدار از اروپا برای ایلچی آن بود که پس از عضویت در فراماسونری انگلیس، به راهنمایی دولت‌مردان ایرانی جهت عضویت در این گونه محافل پرداخت.^۴ همچنین هیأت نمایندگانی که در سال ۱۲۴۵ق به سرپرستی خسرومیرزا برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف به روسیه رفتند، در مدت بیش از دو ماه اقامت خود در پترزبورگ، هر روز به دیدن یکی از تأسیسات علمی و صنعتی این کشور می‌رفتند؛^۵ از جمله مدرسه‌ای در تفلیس با چهار سطح برای آموزش زبان‌های ترکی، فارسی و روسی، نقاشی و سایر علوم متعارف به کودکان مسلمان و گرجی؛ مدرسه مخصوص ناشنوایان؛ مدرسه نظامی برای تربیت صاحب منصبان و تعلیم فنون نظامی همراه با بیمارستان؛ مدرسه دخترانه با آموزش‌هایی نظیر حساب، جغرافیا، حکمت طبیعی، موسیقی، زبان‌های اروپایی و خیاطی؛ مدرسه علوم مسکو با آزمایشگاه زیست‌شناسی و کتابخانه‌ای مهم.^۶

۱. زیباکلام، ۱۵۱.

۲. محبوبی اردکانی، ۲۴۳.

3. James Morier.

۴. حائری، ۲۵۷-۲۵۸.

۵. آدمیت، ۵۹.

۶. نک: همو، ۱۶۶-۱۷۰.

کسانی که از خارج از کشور باز می‌گشتند، معمولاً به نوشتن سفرنامه می‌پرداختند. اغلب این افراد، شیوه زندگی مردم اروپا را شرح داده، در مقایسه با زندگی ایرانیان، از عقب‌ماندگی، بی‌سوادی، شیوع بیماری‌ها، فقر و بیچارگی مردم ابراز گلایه می‌کردند و مستقیم یا غیرمستقیم زندگی غربی‌ها را انسانی‌تر و مرفه‌تر می‌دانستند.^۱

نیازها و ضرورت‌های داخلی جامعه و رفت و آمدهای غربیان به داخل کشور و مسافرت‌های دولت‌مردان و سایر مردم ایران به خارج باعث می‌شد که مردم هر چه بیشتر به عقب‌ماندگی‌های خودآگاه شده و در پی یافتن علت، برای جبران آن‌ها برآیند. از همین جهت بود که اندیشه اصلاح‌طلبی در جامعه شکل گرفت و تحرکی را در میان اندیشمندان و صاحب‌منصبان ایرانی به وجود آورد و هر کدام را از منظری به مسئله پیشرفت کشور خصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت به عنوان رکن اساسی آن سوق داد.

جمع بندی

تجاوزات روس‌ها به سرزمین‌های شمالی کشور و شکست‌های متوالی ایرانیان از آن‌ها که عقد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای و از دست رفتن بخش‌هایی از ایالات ایران را در پی داشت، سرانجام سبب بیداری افکار غفلت‌زده دولتمردان ایرانی و توجه به ضعف‌های اساسی آموزش‌های سنتی و مکتبخانه‌ای گردید؛ به شکلی که برای جبران عقب‌ماندگی‌ها خصوصاً در تجهیز ارتش به علوم و فنون جدید و پیشرفته دست به کار اقداماتی شدند که نتیجه آن، رویکرد به تحولات نوین دنیا و آماده شدن زمینه‌های لازم برای تحول نظام آموزشی کشور بود. دعوت از کارشناسان نظامی اروپایی به منظور آموزش سربازان یا اعزام محصلین به اروپا برای کسب دانش‌های جدید، ایجاد چاپخانه و ترجمه و تألیف کتاب، زمینه‌های فرهنگی لازم را جهت این تحول فراهم نمود. انتقال علوم و دانش‌های جدید اروپا به داخل کشور از طریق تجربیات تحصیل‌کردگان خارج و معلمان اروپایی حاضر در ایران، راه‌اندازی تعدادی کارخانه و لزوم استفاده از متخصصین دانش‌آموخته در آن‌ها، همگی نشان‌دهنده نوع آموزش‌هایی بود متفاوت از آنچه در مکتب‌ها و مدارس ایران رواج داشت. در حقیقت همه این اقدامات که در نتیجه ضرورت‌های زمانی و نوع سیاست‌های دنیای جدید صورت می‌گرفت، نه تنها دولت‌مردان، بلکه سایر مردم را متوجه این موضوع مهم ساخت که برای حفظ استقلال و پیشرفت کشور و به

۱. کشاورز، ۱۹۸.

دست گرفتن سرنوشت خویش، آگاهی از دانش و تخصص و شیوه‌های نوین آموزشی برای پرورش افرادی آگاه و کاردان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. بنابراین، تلاش‌های صورت گرفته در زمان فتحعلی شاه، مقدمه‌ای آگاهاننده بود برای فعالیت‌ها و اقدامات اساسی‌تر ایرانیان در سال‌های بعد که نهایتاً با انقلاب مشروطه و قوانین مصوب شورای ملی، به اجرایی و همگانی شدن آموزش و پرورش و تصویب رشته‌های علمی جدید در کشور منجر شد.

کتابشناسی

- آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۸ ش.
- آرین پور، یحیی، *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران، زوار، ۱۳۷۵ ش.
- آقازاده، احمد، *آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی*، تهران، نشر روان، ۱۳۸۳ ش.
- براون، ادوارد، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۷ ش.
- بهنام، جمشید، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران، فرزانه، ۱۳۷۵ ش.
- تاریخچه معارف ایران*، تهران، مجله تعلیم و تربیت، سری ۴، شماره ۷-۹، ۱۳۱۳ ش.
- حائری، عبدالهادی، *نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن غرب*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
- رایت، دنیس، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه خسرو پورخسرو، شیراز، هفت اورنگ، ۱۳۸۱ ش.
- زیباکلام، صادق، *سنت و مدرنیته*، تهران، روزنه، ۱۳۸۲ ش.
- ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سعید میرمحمدصادق، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵ ش.
- سرمد، غلامعلی، *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه*، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲ ش.
- سلطان زاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، تهران، آگاه، ۱۳۶۴ ش.
- شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، زریاب، ۱۳۸۴ ش.

- صدیق، عیسی، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
- علاقه بند، علی، *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، تهران، روان، ۱۳۸۵ ش.
- کشاورز، محمدعلی، *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران، روزبهان، ۱۳۸۵ ش.
- گاردان، آلفرد، *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، گزارش، ۱۳۶۲ ش.
- محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
- مرادی نژاد، حسین و پرویز پژوم شریعتی، پژوهشی درباره فرستادن دانشجو به خارج در دوره قاجار و پهلوی، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۵۳ ش.
- میلااره، گاستون و ژان ویال، *تاریخ جهانی آموزش و پرورش*، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، ج ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
- مینوی، مجتبی، «اولین کاروان معرفت»، *مجله یغما*، سری ۶، شماره ۵، ۱۳۳۲ ش.
- نجمی، ناصر، *ایران در میان طوفان*، تهران، کانون معرفت، ۱۳۶۳ ش.
- نوابی، عبدالحسین، *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری*، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۹ ش.

Archive